

ژئوپولیتیک اطلاعات و نقش آن در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر رسانه‌ها

اعظم یوسفی^۱

استادیار گروه جغرافیای سیاسی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۵

چکیده

یکی از عوامل و ابزارهایی که در قرن بیست یکم به شدت رقابت قدرت‌ها برای ایجاد سلطه و نفوذ را متاثر ساخته، رسانه‌های جمعی است. وسایل ارتباط جمعی ملی و یا فراملی می‌توانند با برنامه‌ها و پیام‌های خود همبستگی و یا گسستگی شرایطی را برای مخاطبان خویش بوجود آورند که می‌تواند زمینه‌ساز بحران‌های اخلاقی، هویتی، فرهنگی و اجتماعی باشد. وسایل ارتباط جمعی در حفظ و تحکیم وفاق ملی چه به لحاظ سخت افزاری و چه به لحاظ نرم افزاری، بالا بردن توان انتخاب جامعه، افزایش مشارکت، رقابت و پویایی شهروندان، درونی و نهادی کردن نظام ارزشی و باورهای اعتقادی و معرفی ساز و کارهای حل و فصل تعارض‌ها و چندگانگی‌های فرهنگی و اجتماعی است. این مقاله براساس مطالعات کتابخانه‌ای و با روش توصیفی - تحلیلی سعی دارد نقش رسانه‌های جمعی را در فرهنگ (تحولات فرهنگی) و تاثیر آن بر مصالح و منافع ج.ا.ایران را مورد کنکاش و بررسی قرار دهد، سپس نقش ژئوپولیتیکی رسانه‌های جمعی را تجزیه و تحلیل می‌کند تا نشان دهد که چگونه فناوری‌های ارتباطی می‌توانند به شیوه‌هایی مستقر شوند که عملکرد و قدرت ژئوپولیتیکی یا به عبارتی منافع و مصالح و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تغییر دهند.

کلیدواژگان: ژئوپولیتیک، رسانه، فرهنگ، سلطه، امنیت ملی، ایران.

^۱. نویسنده مسئول: maghih258@gmail.ir

مقدمه

شاید آنگاه که یک پژوهشگر آفریقایی در کنفرانس باشگاه رم تحت عنوان «جهان در آستانه قرن بیست و یکم» گفتار خود در باره «عصر نوین فرهنگ و ارتباطات» را با این جملات به پایان برد کسی سخنان او را چندان جدی نگرفت؛ او معتقد بود: «دوران کنونی تمام می شود و عصر تازه ای آغاز می گردد. تاکنون در هیچ زمانی بشر برای بقا تا این حد به قدرت انطباق و تخیل نیاز نداشته است. عصر جدید فرهنگ و ارتباطات، در مرحله نخست عصری است که انسان باید در آن شجاعت خود را متحول کند.» (پچی، ۱۳۷۰: ۱۵۵) اما سرعت تغییرات ارتباطی و فرهنگی در پایان قرن گذشته و سالهای آغازین سده جدید، اهمیت سه مفهوم کلیدی قدرت تخیل، قدرت انطباق و شجاعت تحول را برای تداوم حیات دولتها، فرهنگهای ملی و حتی - در سطحی انتزاعی تر - تمدن ها بخوبی نشان داده است. حکومتها و حاکمانی که توانایی آینده‌نگری، ارایه هویت فرهنگی مناسب در عرصه جهانی و شجاعت ترک پاسخهای کهنه به پرسشهای نو را نداشتند با جهل مرکب، ملتشان را به جای دروازه های تمدن بزرگ به آستانه انقلاب سوق دادند و لا جرم خود به حاشیه تاریخ رانده شدند.

پیروزی ناگهانی و غیرمنتظره انقلاب، فقدان زود هنگام نظریه‌پردازان و ساختارسازان جمهوری اسلامی، هجوم ستیزنده رسانه های غربی، ندرت و غربت فزاینده آفرینشگران و آفرینشهای بومی، کاهش چشمگیر سرمایه‌گزارهای آینده‌نگرانه در زیرساختهای ارتباطی و رسانه ای در اثر جنگ دیرپای تحمیلی و مهمتر از همه بروز شکاف فرهنگی میان نسله‌ها و عدم انتقال ارزشها، از یک طرف موجبات ناامیدی رهبران از امکان رقابت و احساس حقارت نسبت به فراورده‌های ارتباطی و کالاهای فرهنگی غربیان، و تقدیس تمرکز گرایی دولتی در عرصه فرهنگ و ارتباطات را از طرف دیگر فراهم آورد، در نتیجه نوآوری های رسانه ای اولیه جای خود را به محافظه کاری، اصالت نظارت و هراس اندیشی از رسانه های نظارت ناپذیر و تسلط نظریه هنجاری رسانه های شبه اقتدار گرا بردهن و زبان نخبگان و مسولان حکومتی داد. ممنوعیت درازپای ویدیو، بازیهای رایانه‌ای، لوحهای فشرده و تجهیزات دریافت از ماهواره، سیاستهای محدود کننده مطبوعات، اعمال نظارت پیش از انتشار در مورد کتاب، سیاست هدایت و نظارت همه جانبه بر تاتر و صنعت سینما و انحصار حکومتی سازمان صدا و سیما را در این چارچوب می توان تحلیل کرد (محمدمی، ۱۳۷۹، آشنا ۱۳۷۷، محسنیان، ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷) آخرین موج فناوری اطلاعاتی و ارتباطی در حالی به ایران رسید که علیرغم پایان جنگ و وجود توانایی ملی برای غلبه بر محدودیتهای اقتصادی، سیاسی و تکنولوژیک، آمادگی کافی برای سیاستگزاری متناسب با سیر تحولات جهانی آن وجود نداشته است؛ اکنون پس از گذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی در ایران این مسئله استراتژیک بطور جدی در مقابل سیاستگزاران ارتباطی، امنیتی و فرهنگی کشور مطرح است که:

- گسترش زیرساختهای پیشرفته ارتباطی در داخل کشور و افزایش امکانات تبادل اطلاعات و داده ها در سطح بین‌المللی چه تاثیراتی بر امنیت کشور خصوصا در ابعاد فرهنگی دارد؟

- در اثر افزایش حجم و سرعت تبادل و ورود به بزرگراههای جهانی چه تغییرات احتمالی را در این ابعاد متحمل خواهیم شد؟

- چه سیاستهای ارتباطی کمترین زیان و بیشترین فایده را برای منافع ملی خواهد داشت ؟

- اولویتهای ملی در این حوزه باید چگونه تعیین شود؟ متأسفانه تا کنون حتی در سطوح کلان سیاست‌گذاری پاسخهای سریع و سطحی متعددی از جانب سیاستمداران، نظامیان و مهندسان برای این پرسشها ارایه شده است (مجمع تشخیص مصلحت نظام ۱۳۹۰) اما با توجه به ماهیت فرهنگی و ارتباطی اینترنت شایسته است آن دسته از پژوهشگران فرهنگ و ارتباطات که متعهد به حفظ و شکوفایی نظام و آرمانهای جمهوری اسلامی ایران هستند پیشتاز شناخت و ارایه راهبردهای ملی در مورد رسانه ها باشند. پژوهش حاضر به دنبال تبیین نقش وسایل ارتباط جمعی در امنیت ملی می باشد و بر این اساس باید گفت که پژوهش به شیوه توصیفی و از نوع تحلیلی (اسنادی) براساس منابع کتابخانه ای انجام شده است.

مبانی نظری

صنعت فرهنگ

فرهنگ رسانه‌ای از یک طرف با صنعت تولید فرهنگ نیز مواجه است. رسانه با قدرت نفوذپذیری خود، پوسته نهادهای اجتماعی خاصه خانواده را می‌شکافد و بدون اختیار اعضا، وارد زندگی آنها می‌گردد و اعماق آن نهادها را به تسخیر درمی‌آورد. این پیام‌ها باعث تغییر در نگرش آنان می‌گردد و در صورتی که نتوان مدیریتی بر آن اعمال کرد، آن چنان سطح انتظار انسان را تغییر می‌دهد

که میزان رضایتمندی او را از زندگی، دستخوش تلاطم می‌کند. تحت تأثیر بمباران اطلاعاتی از سوی رسانه‌ها، انسان راضی و سعادتمند دیروز به فردی ناراضی امروز تبدیل می‌شود. فرهنگ رسانه‌ای حتی می‌تواند با نمایش تضاد عمیق بین جهان واقعی و جهانی که خود تولید کرده، انسان را در خلاء رها سازد. لذا فرهنگ رسانه‌ای در کنار تمام مزیت‌هایی که دارد، می‌تواند در ایجاد تغییر در ارزشهای ذهنی مخاطبان، مفهومی تحت عنوان «شی مداری» را بر ذهن گیرندگان خود حاکم نماید و بحران هویت آن را تشدید نماید. رسانه‌هایی که سعی دارند اطلاعات خود را با فشار بر ذهن مخاطب تحمیل نمایند، معمولاً در همان راستا قدم برمی‌دارند (همان، ۴۰)

مفهوم و اهمیت رسانه

تعریف رسانه

رسانه در لغت به معنی رساندن است و در اصطلاح وسیله‌ای برای نقل و انتقال فرهنگ، اطلاعات، ایده‌ها و افکار افراد یا جامعه؛ و واسطه عینی و عملی در فرآیند برقراری ارتباط است. و اکنون آن چه مصداق این تعریف است وسایلی همانند: روزنامه‌ها، مجلات، رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت و... می‌باشند. رسانه‌ها یا وسایل ارتباط جمعی اصطلاح فارسی شده واژه لاتین «Medium» است که جمع آن «Media» می‌باشد و منظور از آن دسته‌ای از وسایل هستند که مورد توجه تعداد کثیری می‌باشند و از تمدن‌های جدید بوجود آمده‌اند (کازنو، ۱۳۸۷: ۳). سلطه رسانه‌ای و خبری قدرتهای جهانی، توانسته است چالشی جدی در زمینه امنیت ملی سایر کشورهای جهان؛ بخصوص کشورهای هدف؛ که تبعاً هم قدم و هم جهت با سیاستهای آنها نیستند، بشمار می‌آورد. زیرا باید این واقعیت را پذیرفت که نقش و تأثیر بسزای بنگاه‌های اطلاع‌رسانی بر اذهان عمومی به هیچ وجه قابل چشم‌پوشی نیست، زیرا در بسیاری از مواقع این رسانه‌ها بوده‌اند که قیامی به راه انداخته، و یا از برخی رویدادها جلوگیری کرده‌اند. به همین سبب، قدرت رسانه‌ها را به اندازه‌ای می‌دانند که قادر است در سرتاسر جهان، به عنوان مهمترین سلاح به کار گرفته شود.

اهمیت رسانه‌ها

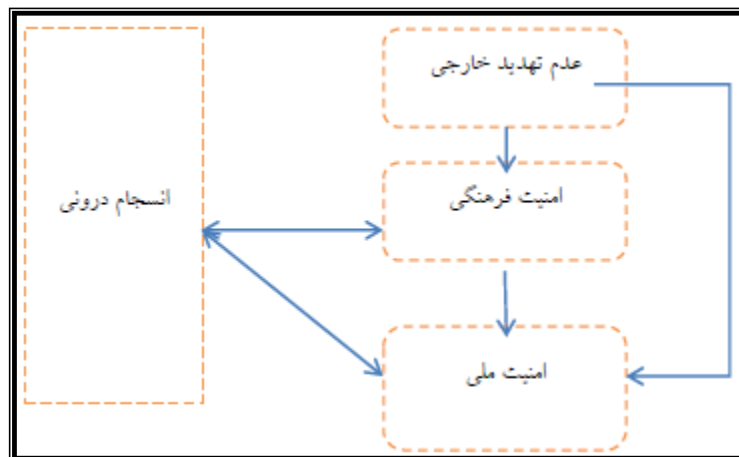
شاید یکی از شناخته شده‌ترین تئوریسن‌های رسانه، پژوهشگر کانادایی مارشال مک لوهان باشد. شناخته شده‌ترین ادعای وی عبارت کوتاه "رسانه خود پیام است" می‌باشد. به طور خلاصه، وی ادعا می‌کند که اگر تأثیر رسانه‌ها به نفع ما باشد، در نتیجه باید توجه خود را معطوف به راه‌هایی کنیم که هر رسانه جدید با استفاده از آن‌ها سنت و شاید زندگی اجتماعی ما را آشفته می‌سازد. به نظر مک لوهان، پیام واقعی، محتوای رسمی یک رسانه نیست، بلکه شیوه‌هایی است که خود رسانه‌ها احساسات ما را بسط داده و دنیای اجتماعی ما را تغییر می‌دهند. مک لوهان اصرار بسیاری بر این موضع داشت و معتقد بود (محتوای) یک رسانه شبیه تکه گوشتی است که سارق برای متحرف کردن حواس شگ‌نگهبان استفاده می‌کند. مک لوهان نسخه‌ای غیر معمول اما خیلی پیچیده‌تر از جبرگرایی تکنولوژیک را توسعه می‌بخشد که با توجه به آن هر رسانه احساسات ما را به گونه‌ای شکل می‌دهد که وقوع نتایج اجتماعی مشخصی تقریباً اجتناب‌ناپذیر خواهد شد و از آن جا که رسانه‌ها ی مربوط به یک دوره تمام (جوانب) آن دوره را احاطه کرده‌اند، برای شهروندان غیر ممکن خواهد بود که متوجه شیوه‌هایی شوند که فناوری آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. دیگرانی که رویکرد مک لوهان را در پیش گرفتند، تأکید بر نتایجی دارند که با عبور از یک رسانه به رسانه دیگر، به وجود می‌آیند، به عنوان مثال تعضی از منتقدان معتقدند که افزایش به کارگیری تلویزیون دلیل اصلی کاهش جدیت در زندگی ما شده است.

(پستمن ۱۹۸۵) ص ۱ بر اساس این دیدگاه، با ظهور و افزایش به کارگیری تلویزیون، اساس دموکراسی - شرکت آگاهانه شهروندان - تضعیف شد. چرا که این رسانه شیوه‌هایی را که مردم در مورد مسائل عمومی فکر کرده و به بحث می‌نشستند، تغییر داده است. خصوصیات تلویزیون شیوه‌های خاصی از صحبت کردن و اندیشیدن را تشویق و حتی می‌توان گفت دیکته می‌کند. (ویلیامز، ۱۳۹۰: ۳۸)

سلطه رسانه

از آنجا که علم و دانش مهمترین ابزار برتری جوامع بر یکدیگر است، بدیهی است کشورهای استعمارگر سابق و توسعه یافته امروز، به منظور حفظ منافع خود در دیگر کشورها از علم و فناوری به عنوان بهترین وسیله استفاده می‌کنند و امپریالیسم خبری، رسانه‌ها، کتب و مجلات را به عنوان ابزاری، به انحصار خود در آورده‌اند که صدها دانشمند طراز اول آمریکایی و اروپایی و گاه جهان‌سومی (نخبگان مهاجر)، به شکل سازمان یافته‌ای مجهز به آخرین اطلاعات و آمار درباره اغلب کشورهای الویت‌های استراتژیک آنها هستند و تقریباً در بیشتر حوزه‌ها و مسائل آن‌ها، از جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی مشغول تفکر و مطالعه و ارائه راه و روش‌های متعدد می‌باشند؛ و بدین طریق خط مشی شبکه‌های بزرگ خبری و اطلاع‌رسانی جهانی را تعیین و ترسیم می‌نمایند. امروزه تنها چند خبرگزاری غربی به عنوان بزرگترین بنگاه‌های اطلاع‌رسانی و سخن‌پراکنی جهان نظیر؛ یونایتدپرس، اسوشیتدپرس، فرانس پرس و رویتر، روزانه نزدیک به چهل میلیون‌کلمه خبر به سراسر دنیا مخابره می‌کنند و ۹۰ درصد اخبار خارجی روزنامه‌ها و سایر وسایل ارتباط جمعی، از این چهار منبع خبری تهیه و پخش می‌شود، که خوراک خبری بیشتر رسانه‌ها از این غول‌های خبرگزاری است که به راحتی می‌توانند افکار عمومی دنیا را تحت تأثیر قرار دهند. به عقیده "هاوس" خبرگزاری‌ها به طور اخص بر خبرهای تألم‌انگیز و فاجعه‌آمیز جهان سوم تأکید ندارد؛ بلکه آنها تصویر مخدوشی از جهان سوم ارائه می‌دهند و برخورد آنها با جهان سوم برخورد قوم‌گرایانه بوده و صرفاً در جهت ارضای بازار خبری تحت سلطه غرب است (کوزر، ۱۳۹۳: ۳۱۵). بنابراین، سلطه رسانه‌ای و خبری قدرتهای جهانی، توانسته است چالشی جدی در زمینه امنیت ملی سایر کشورهای جهان؛ بخصوص کشورهای هدف؛ که تبعاً هم قدم و هم جهت با سیاستهای آنها نیستند، بشمار می‌آورد. شکل (۱) رابطه بین امنیت ملی و فرهنگی و تهدید خارجی را نشان می‌دهد.

تقابلهای موجود در عرصه سیاستگزاری رسانه‌ای با توجه به امنیت فرهنگی



منبع: (صفری، ۱۳۹۲: ۹۳-۹۵)

پیرامون تأثیر رسانه‌ها، نظریاتی مطرح شده‌اند که هر یک می‌توانند تأثیر رسانه‌ها را بر افراد از زوایای خاص مورد بررسی قرار دهند که در این مقاله به شرح برخی از این نظریات پرداخته می‌شود.

نظریه جامعه توده

در این نظریه، رسانه‌ها در جامعه توده به صورت انحصاری اداره می‌شوند و برای سازماندهی و هدایت توده‌ها به صورت مخاطبان، مصرف‌کنندگان، رأی‌دهندگان و بازار ابزاری مؤثر به شمار می‌روند. در جامعه توده، رسانه‌ها به عنوان یک صدای اقتدار هدای تکنده افکار عمومی و عقاید هستند و همچنین نیازهای روانی افراد را ارضا میکنند. سی‌رایت میلز معتقد است که رسانه‌ها می‌توانند شرایط پایش جامعه را به صورت غیر دموکراتیک از بالا فراهم سازند. قدرت بالقوه رسانه‌ها در جامعه توده، در دیدگاه میلز، ناشی از تمایل‌های انحصارگرانه و شکل پاسخگویی از طرف جامعه است (مهرداد، ۱۳۸۸: ۸۹)

نظریه مارکسیسم

نظریه پردازان مارکسیست معتقدند رسانه‌ها که توجه خود را بر ایده‌ها بیش از ساختارهای مادی و اقتصادی متمرکز می‌سازند، عامل ایدئولوژی و اثر آن توسط رسانه‌ها، بیشتر در جهت روابط استثمارگرانه، پنهان‌کاری و سازماندهی اجتماعی و حقانیت بخشیدن به نظام سلطه سرمایه‌داری و با انقیاد در آوردن طبقه کارگر عمل میکنند و تکثیرکننده این گونه ایده‌ها و مقاصد هستند (شیلر، ۱۳۹۰: ۹۰). هربرت مارکوزه معتقد است که رسانه‌ها همراه با سایر عناصر صنایع فرهنگی که به صورت انبوه تولید میشوند و سعی در فروش نظام و یا تحمیل نظام اجتماعی بر پیام‌گیران خود دارند، نظامی که هم سرکوبگر و هم مطلوب است. مارکوزه نقش اساسی رسانه‌ها را ابتدا تحریک‌کننده و سپس ارضاکنده نیازهای واقعی معرفی می‌کند که در نهایت، به جذب گروه‌هایی به درون جامعه یک بعدی که با توجه به منافع مادی هیچ‌گونه وجه مشترکی با یکدیگر ندارند، منتهی می‌شوند (نوری و همکاران، ۱۳۸۵: ۳۳).

نظریه تغییر در ارزش‌های فردی

نکته کلیدی نظریه این است که رسانه‌های همگانی به انتشار ارزش‌هایی در جامعه می‌پردازند که در فرد سبب نوآوری، تحریک اجتماعی، روانی و ذهنی می‌شوند، وجدان‌کار را تقویت می‌کنند و باورها موجب افزایش در مصرف می‌شوند. اگر چه این نظریه کاربرد عمومی دارد، در اصل برای کشورهای در حال توسعه طراحی شده بود. این نظریه با دیدگاه‌های هیگن و مک کلند که توسعه را نتیجه تغییرهای روان‌شناختی جامعه‌شناختی در افراد می‌دانند، هماهنگی دارد.

نظریه کاشت

«نظریه کاشت» از قوی‌ترین و با نفوذترین نظریه‌ها در مورد تأثیر رسانه‌ها می‌باشد. جورج گرینر معتقد است تماشای زیاد تلویزیون آدم‌ها را شبیه هم می‌کند و آنان را وا می‌دارد تا واکنش‌های مشابهی به رویدادهای ملی و بین‌المللی از خود نشان دهند. در واقع، محور بحث گرینر این است که اهمیت تاریخی رسانه‌ها به دلیل نقش آنها در ایجاد توده نیست، بلکه این اهمیت بیشتر در ایجاد شیوه‌های مشترک محصول استفاده از فناوری (تکنولوژی) و نظام ارائه پیام است که نقش واسطه را بر عهده دارند که به دید و درک مشترک از جهان اطراف منجر می‌شود. گرینر محصول چنین فرایندی را کاشت الگوهای مسلط ذهنی می‌نامد (قاسمی، ۱۳۸۵: ۵۶).

بحث و یافته‌های تحقیق

نقش رسانه‌ها بر فرهنگ و تاثیرات آن در امنیت ملی

هرچند حضور این رسانه‌ها در جریان توسعه فرهنگی جوامع، فرصتهای جدیدی را برای پذیرش نقش‌های فرهنگی پدید می‌آورد، اما نگرانی‌هایی را نیز در این حوزه دامن زده است. نگرانی‌های موجود در خصوص نقش رسانه‌های جمعی در حوزه فرهنگ و امنیت گاه تا حدی است که این فناوری‌های ارتباطی را پدیده‌های ضدفرهنگی قلمداد کرده‌اند (باهر، ۱۳۸۵). بدینی و انتقاد به نقش رسانه‌ها در بین علمای اخلاق، کشیشان، ادیبان و هنرمندان، روانشناسان و جامعه‌شناسان نیز دیده می‌شود. اخلاقیون به اضطراب‌های متناوب اخلاقی نظیر خشونت‌های زیاد در تلویزیون (رولند ۱۹۸۳) یا نمایش روابط جنسی در فیلمها، تلویزیون، کتابفروشی‌های محلی، کتب درسی دانش‌آموزان، موسیقی‌های راک اندرول (السنک و نیاس، ۲۰۱۲) انتقاد دارند. یکی از دستیاران کشیش کلیسا و راهنمای جوانان گفته است طبق آمار از هزار دختری که بدون ازدواج باردار می‌شوند ۹۸۴ نفر در هنگام پخش موسیقی رقص باردار شده‌اند.

بدینسان رسانه‌ها در میان عالمان نیز وجود دارند. ادیبان و هنرمندان پیرو سبک کلاسیک، نسبت به وضعیت رقت‌انگیز هنرهای عامه ابراز تأسف می‌کنند. آنها ارزش هنری رسانه‌های واسطه‌ای را متأسفانه معیوب می‌یابند و نگران آینده سیاسی، اقتصادی، مذهبی، آموزشی و فرهنگی کشور و جهان و نیز آینده هنر هستند. توکویول منتقد فرهنگ انبوهی (۱۹۴۴/۱۸۴۰/۱۸۳۵)، اورتگا وای گست (۱۹۳۲)، دووایت مک دونالد (۱۹۸۳)، دانیل بل (۱۹۷۶) و بسیاری افراد دیگر این موضوعات را به تفصیل و به‌طور بی‌پایان مورد بررسی قرار دادند. گارت جوئیت حملات مشخص نخبه‌گرایانه، محافظه‌کارانه و انسان‌دوستانه نسبت به فرهنگ توده‌ای را در مطبوعات می‌بیند. کتاب آلن بلوم تحت‌عنوان: بسته شدن ذهن آمریکاییان (۱۹۸۷) و کتاب ای، دی، هرش تحت‌عنوان سواد فرهنگی؛ آنچه هر آمریکایی نیاز به دانستن آن دارد با این استدلال که آموزش و فرهنگ توده‌ای در تنزل فرهنگ آمریکا مقصرند، به این دیدگاه بدبینانه دامن زدند. تلویزیون برای همه چیز از فروریختن ارزش و جایگاه خانواده تا رشد درصد سرطان مقصر شناخته شده است. پست من (۱۹۸۵) و میروتیز (۱۹۸۵) خاطرنشان می‌کنند که چگونه طفولیت و کودکی از شکل اولیه و اصیل خودش به وسیله تلویزیون خارج شده است. تلویزیون رسانه‌ای است که دسترسی به آن نیازمند سواد نیست و از بزرگسالان تا نوجوانان را، به شدت تحت‌تأثیر خود قرار می‌دهد. انتقادات بدبینانه فکری نیز به وسیله کریستوفر در کتاب فرهنگ خودپرستی (۱۹۷۸) و نوآم چامسکی در کتابی تحت‌عنوان به سوی یک جنگ سرد جدید مطرح شده است. انتقادات از فناوری رسانه‌ای به وسیله ژاک ایلول، لوئیس مامفورد، و دیگر فلاسفه اجتماعی که به زوال شخصیت و فقدان کنترل به وسیله قدرت رسانه‌های جدید معتقدند، بیان شده است. ایلول استدلال می‌کند که فناوری چنان فراگیر شده که ذهنیت تکنیکی، یا کارآمدی بی‌امان بر همه ابعاد زندگی انسانی سایه گسترده است و سرشاری و تنوع فرهنگ اصیل انسانی را خدشه‌دار کرده است. (ریل و کریستن، ۱۹۷۹ به نقل از رنجبران، ۱۳۹۰).

فرو ریختن ارزشها و اخلاق جامعه و زوال شخصیت انسان توسط رسانه‌ها روی یکی از ابعاد مهم زندگی اجتماعی انسان، یعنی امنیت ملی بطور عام و امنیت مرزها بطور خاص تأثیر می‌گذارد. این ادعا که اخلاق اساس امنیت داخلی و اجتماعی در جامعه است، ادعای گزافی نمی‌باشد. اخلاق عنصر مهم و تعیین‌کننده‌ای در روابط اجتماعی و سالم ساختن آن است. در واقع هر چقدر افراد در یک جامعه به اصول اخلاقی پای‌بندی بیشتری داشته باشند، در آن جامعه ارتباطات اجتماعی از ناهنجاری‌های کمتری برخوردار خواهد بود. تأکید بسیار زیاد اسلام بر اخلاق و مکارم اخلاقی که در آیات و روایات به کرات مشاهده می‌شود ناشی از اهمیت موضوع و بیانگر ضرورت جدی پرداختن به آن است. در مطالعات جدید جامعه‌شناختی هم بر عنصر اعتماد به عنوان پایه اصلی سرمایه اجتماعی تأکید بسیار زیادی می‌شود، در واقع رعایت اصول اخلاقی در هر جامعه بهترین راه برای افزایش سطح اعتماد در آن جامعه می‌باشد. تأثیر اخلاق بر امنیت را می‌توان در سطح فردی، اجتماعی و ملی مورد مطالعه قرار داد. در سطح فردی واقعیت این است که هر چقدر یک فرد مقید به اصول اخلاقی باشد عنصر مفیدتر و سازنده‌تری در سطح اجتماع خواهد بود و این امر نقش مهمی در شکل‌گیری فضای عمومی مطلوب در جامعه خواهد داشت. در عین حال هرچقدر یک فرد بر موازین اخلاقی پایبندتر باشد کمتر محل امنیت اجتماع خواهد بود و عکس این هم کاملاً درست است که معمولاً و اغلب افرادی امنیت اجتماعی را مختل و یا مخدوش می‌کنند که به اصول اخلاقی پای‌بند ندارند. این موضوع دارای ریشه‌های روانشناختی و جامعه‌شناختی خاصی می‌باشد. اما در سطح اجتماعی باید گفت که تقید فردی به اخلاق موجب بهبود روابط اجتماعی خواهد شد. یک اجتماع اخلاقی، اجتماع سالم‌تری است و یک اجتماع سالم‌تر امنیت بیشتری خواهد داشت. در واقع هرچه روابط اجتماعی از سلامت اخلاقی دورتر می‌شود، امنیت افراد جامعه در سطوح مختلف بیشتر در معرض تهدید قرار می‌گیرد. برخی از این تهدیدها که ناشی از عدم سلامت اخلاقی جامعه است، آشکار می‌باشد، ولی برخی هم که چندان ارتباط مستقیمی به این موضوع ندارد و در واقع از این وضعیت ریشه می‌گیرد. اما در سطح ملی باید گفت که حاکم شدن فضای اخلاقی در جامعه، بسیاری از هزینه‌های دولت را که مربوط به تامین امنیت است به شدت کاهش داده باعث کم شدن حوزه وظایف و مداخلات دولت می‌شود که طبعاً خود این در کاهش فساد و بالا بردن ضریب سلامت اجتماعی موثر است. و در نهایت فضای اخلاقی در جامعه موجب افزایش اعتماد عمومی در جامعه می‌شود که به طور متقابلی بین افرادی که در یک جامعه زندگی می‌کنند و نیز در تعامل بین دولت و ملت حاکم می‌شود. به نظر می‌رسد که اخلاق مقوله بسیار مهمی در تامین امنیت در سطوح مختلف است که ضرورت توجه بیشتر به آن به طور جدی در جامعه ما احساس می‌شود. (رنجبر، ۱۳۹۰)

با توجه به حساسیت و اهمیت فوق العاده ی این موضوع است که در سالهای اخیر غرب توجه مخصوصی به رسانه های ارتباط جمعی ، رادیو ، تلویزیون ، ویدئو و اخیراً ماهواره پیدا کرده است. مسلماً همه گیری و فراگیری این رسانه ها را سایر رسانه ها ندارند و برنامه های خیلی گسترده ای هم برای به کار گیری این رسانه ها و نفوذ فرهنگی میان ملتها طرح ریزی کرده اند . استفاده از مراکز خبر رسانی بین المللی هم از شیوه های مهم غرب در تهاجم فرهنگی است و توجه به عمق عملکرد این مراکز خبری بدین دلیل مهم است که در ظاهر ارتباط چندانی با تهاجم فرهنگی ندارند ، اما در واقع با تلاش برای کنترل فرهنگی ملتها در ترویج ارزشها و اندیشه های غربی بر سازماندهی علمی و تحقیقات جامعه شناسی و روانشناسی متکی است که پیوندی مستقیم و تنگاتنگ با "شورای روابط خارجی" که بالاترین ارکان تصمیم گیری غیر رسمی در آمریکا است ، دارد . شورای روابط خارجی آمریکا را تراست مغزها و کارتل افکار و اندیشه نیز نام نهاده اند اعضای این شورا تقریباً در همه ابعاد ساختار اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی آمریکا و جامعه بین المللی حضور تعیین کننده ای دارند.

جدا از استفاده بسیار گسترده ی مراکز ارتباط جهانی از سینما ، تلویزیون ، ویدئو و ماهواره برای نشر و ترویج معیارهای مورد نظر ، عمده ی تحلیل گران تأکید دارند که کنترل جهانی بین المللی ارتباط رسانی روش بسیار مؤثری است که مراکز کنترل فرهنگ جهانی برای رسیدن به اهداف خود از آن استفاده کامل می کنند . این شیوه از آنجا مورد توجه قرار گرفته است که رسانه های ارتباط جمعی امروز به درجه ای از قدرت تأثیر گذاری رسیده اند که کنترل آنها حاکمیت بر افکار عمومی جهان را به ارمان خواهد آورد . این واقعیت سبب شده است که وسایل ارتباط جمعی غرب اکنون به هدف ترویج فرهنگ سرمایه داری غرب به عنوان تنها فرهنگ اصیل تاریخ بشری وارد عمل شوند (ستیز با تهاجم فرهنگی غرب نوشته دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی معظم کل قوا: ۱۳۹۴).

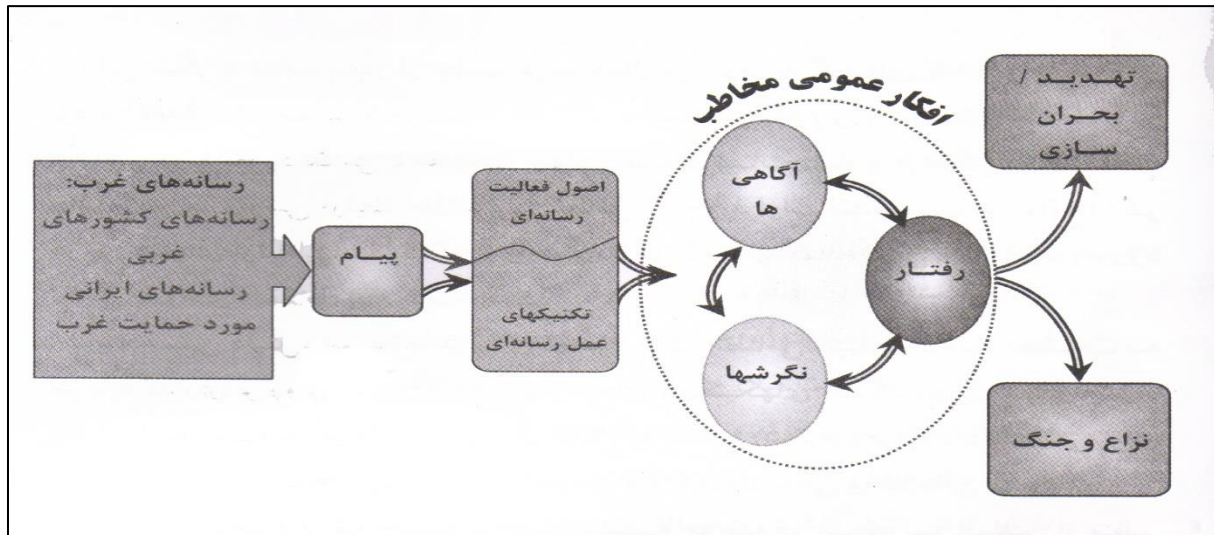
تأثیرات رسانه ها در امنیت ملی ج ا ایران رسانه های داخلی و ارتقاء امنیت ملی:

بحث را با فرازی از کلام گهربار مقام معظم رهبری آغاز می کنیم که فرمودند: "امروز رسانه ها در دنیا فکر، فرهنگ، رفتار و در حقیقت هویت فرهنگی انسان ها را القاء می کنند و تعیین کننده هستند. رسانه ها می توانند در بهبود وضعیت زندگی انسان مؤثر باشند؛ می توانند در گسترش صلح و امنیت جهانی مؤثر باشند؛ می توانند در ارتقای اخلاق و معنویت در میان انسان ها مؤثر باشند و می توانند انسان ها را خوشبخت تر کنند." (مقام معظم رهبری، ۹۲/۱۱/۲۵). رسانه های ملی با اطلاع رسانی گسترده و مناسب به ارتقای سطح دانش و فرهنگ در جامعه کمک کرده و به این وسیله بستر بروز بسیاری از ناامنی ها را که ریشه در توسعه نیافتگی فرهنگ ملی دارد، از بین می برند. و به واسطه اعتباری که نزد شهروندان دارند، با اخبار و نوع تحلیل هایی که ارائه می دهند، عناصر اصلی نظام سیاسی را که همان شهروندان هستند به یکدیگر نزدیک سازند و از تشدید اختلافات و واگرایی مزن آنها جلوگیری نمایند. و این گونه رسانه های ملی می توانند با ایجاد وفاق اجتماعی ، اتحاد ملی و انسجام اسلامی نقش عمده ای در ایجاد ثبات و امنیت داخلی ایفا نمایند. رسانه های ملی با وجود رقاباتی چون ماهواره و رسانه های کشورهای بیگانه باید نسبت به تحرک و فعالیت بیشتر تهییج شوند. نظام جمهوری اسلامی ایران نیازمند وجود رسانه های کارآمد و مؤثری است که بدنه نظام سیاسی را از انواع فسادهای احتمالی صیانت کنند. رسانه های ملی می توانند تصویر ذهنی مردم را از حکومت دستخوش تحول سازند و به این ترتیب با افزایش میزان ضریب ایدئولوژیک و یا ارزش عملکرد فعالیت های دولت به ارتقای ضریب امنیتی جامعه کمک کنند. اقبال دولتمردان به رسانه ها و تلاش برای همکاری در قالب پاسخگویی به مسائل مطرح شده از سوی آنها، فراهم آوردن امکانات و تسهیلات برای خبرنگاران جهت انجام وظایف نظارتی گام مؤثری در این راستا می باشد. رسانه های ملی با توجه به ارتباط گسترده و مستقیم با مردم، از خواسته های حیاتی، مهم، قابل تعدیل و تشریفاتی مردم مطلع هستند؛ این امر موجب می شود که با انعکاس صحیح و مناسب خواسته های مردم، دولت را در طرح برنامه ها و تدوین راهبردها یاری رسانند. از سوی دیگر عملکرد تخصصی رسانه های ملی و اطلاع آنها از نتایج واقعی عملکرد دولتمردان، این امکان را به آنها می دهد که با انعکاس صحیح و مناسب اطلاعات، مردم را نسبت به عملکرد دولت آگاه تر و مطلع تر سازند. بر این اساس اطلاع رسانی بر دو عامل "رضایت

شهروندی" و "کارکرد دولتی" در امنیت فرهنگی تاثیر مثبت می‌گذارد و می‌تواند فعالیتی امنیت ساز برای نظام تلقی شود. (امیری، ۱۳۹۴: ۳۶)

رسانه های خارجی و افول امنیت ملی

رسانه ها و امواجی که ایران را تحت پوشش قرار داده اند، در ارائه و عرضه انحرافات اجتماعی، کارکردهای منفی و اثرات مخربی را برای امنیت ملی و کاهش سرمایه اجتماعی دارند که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:



منبع: (قربی، ۱۳۹۳: ۳۲)

تبلیغ ضد کشورهای استقلال طلب توسط رسانه

تأملی کوتاه بر جریان بین المللی اخبار نشان می‌دهد، خبرهایی که در مورد کشورهای جهان سوم منتشر می‌شود تنها به مسائلی چون خشونت، و مشکلات و نا بهنجاریهای اجتماعی اقتصادی محدود می‌شود، در حالی که در مورد غرب و کشورهای قدرتمند این اخبار به طور کلی بر پیشرفت عمران و رفاه و توسعه ی طرح های اقتصادی متمرکز است. بر این اساس بسیاری معتقدند که منابع اطلاع رسانی غرب با انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، صحت این نظریه را در مورد تأیید قرار می‌دهد. "جورج کرومول" از جمله محققان آمریکایی است که به صراحت بر این مسأله تأکید می‌کند وی در مورد عملکرد رسانه های گروهی غرب در قبال انقلاب اسلامی معتقد است، تصویر ارائه شده از اسلام و بعضی کشورهای اسلامی در وسایل ارتباط جمعی آمریکا به گونه ای وحشتناک و غیر واقعی است، که افکار عمومی مردم این کشور را برای پذیرش هر نوع برخورد مقامات آمریکا با کشورهای اسلامی آماده ساخته است". کرومول "تصریح می‌کند که اینگونه برخورد ها به طور مشخص در سالهای پیروزی انقلاب اسلامی درباره ی ملت ایران اتفاق افتاده است (مجموعه مقالات رسانه ها و فرهنگ ۱۳۹۲).

عادی سازی هنجارشکنی

تا زمانی که ناهنجاری در نظر کنش گران اجتماعی، امری زشت و غیرمنطقی جلوه کند، میزان ارتکاب انحراف اجتماعی و خروج از هنجارهای اجتماعی کاهش خواهد یافت. انعکاس کجروی های اجتماعی در رسانه ها در کاهش نفرت از انحرافات و عادی شدن نابهنجاری در جامعه تأثیر بسزایی دارد، زیرا فرد ضمن اطلاع از نقض هنجارها توسط رسانه ها، درمی یابد که هنجارهای اجتماعی که به نظر وی غیرقابل تخطی بودند، قابل شکستن و تخلف هستند، لذا انگیزه ارتکاب جرم در فرد تقویت می‌شود و این یکی از کارکردهای منفی بیان کجروی ها و انحرافات اجتماعی در رسانه ها است (احراری، ۱۳۹۲: ۳۷).

گسترش خشونت و پرخاشگری

کرپ نر تأکید دارد: بدیهی است که خشونت تلویزیونی به تماشاگران درکی را القاء کند که در آن جهان خشن تر و خطرناکتر از آنچه هست دیده شود. افزایش خشونت وبی بند وباری جنسی در تولیدات تفریحی کمپانیهای غربی به حدی رسیده است که "پاپ ژان پل دوم" رهبر معمولاً خاموش کاتولیکهای جهان نیز لب به اعتراض گشوده است. پاپ نمایش روز افزون فیلمهای

جنسی را پیامد بحران اخلاقی در شورهای غربی ارزیابی کرده و می گوید: "آزادی نا محدود، آزادی واقعی انسان را بی معنا ساخته است". رهبر کلیسای کاتولیک به پیروان خود هشدار داده است که فیلم های سرشار از تصاویر بی بند وباری، حیثیت انسان را نابود می کند و بویژه زنان را مورد استثمار قرار می دهد (ستیز با تهاجم فرهنگی غرب نوشته دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی معظم کل قوا: ۱۳۹۴).

ژان کازنو، صاحب نظر در علوم ارتباطات در خصوص برداشت از مفهوم خشونت می گوید: از دیدگاه ما عمل خشونت آمیز، عملی خواهد بود که با رفتار تهاجمی به خصوص از نظر "جسمانی" و یا حداقل "بیانی" همراه گردد. امروزه خشونت و پرخاشگری در میان جوانان شایع شده است که معلول علل و عوامل متعددی است. مطالعات انجام شده نشان می دهد که رسانه های جمعی در این زمینه تأثیر بسیاری داشته اند، زیرا رسانه ها با تبلیغات کالاهای رنگارنگ، زندگی مرفه را آرمان و هدف مخاطبان ترسیم می کنند، در حالی که این هدف با شغل و درآمد مخاطبان قابل دسترسی نیست، در نتیجه میان اهداف و ابزار مشروع دستیابی به این اهداف فاصله ایجاد می شود (یعنی فرد احساس محرومیت می نماید) این وضعیت منجر به خشونت و پرخاشگری در میان افراد می گردد. به عبارت دیگر رسانه ها موجب می شوند که میل به مصرف کالاهای لوکس در بین مردم افزایش یابد، اما وقتی این میل و تقاضا امکان ارضاء ندارد، در نتیجه به خشونت تبدیل می شود و یا فرد را به انجام عملی غیرقانونی نظیر سرقت جهت دستیابی به کالاهای تبلیغی ترغیب می نماید (مجموعه مقالات فرهنگ و رسانه: ۱۳۹۲).

– تضعیف اعتماد اجتماعی

اعتماد اعضای جامعه به یکدیگر، سرمایه اصلی تعامل اجتماعی است؛ تعاملی که برای ارضای نیازهای زیستی و اجتماعی اعضای جامعه صورت می گیرد، لذا تضعیف این اعتماد مشکلات عدیده ای را در مراودات اجتماعی و تأمین خواسته های افراد ایجاد خواهد کرد. اما در هر صورت ممکن است اعتماد اجتماعی تضعیف شود که یکی از عوامل آن، ترویج انحرافات اجتماعی از طریق رسانه ها است. زیرا ذکر انواع انحرافات از رسانه ها و اعلام رشد سرسام آور آن، منجر به ایجاد روحیه سوء ظن و شک نسبت به سایر افراد جامعه می شود و احتمال وقوع این انحراف را از سوی تک تک اعضای جامعه تقویت می نماید و روحیه اعتماد عمومی را تضعیف می کند، در نتیجه تعامل اجتماعی دچار اختلال می شود. انعکاس انحرافات اجتماعی علاوه بر سست کردن اعتماد اجتماعی، موجب عدم احساس تعلق جمعی می شود و روابط اجتماعی افراد را دچار مشکل می کند. رسانه ای کردن جرائم بر نهاد خانواده نیز اثرات مخربی دارد، به طور نمونه پدران و مادران را نسبت به رفتار فرزندان بدبین می کند، چرا که والدین احتمال می دهند که انجام این انحراف اجتماعی که از طریق رسانه منعکس شده است، در مورد فرزندان جوان خانواده وجود دارد، این نگرش منجر به تضاد و ناسازگاری های خانوادگی خواهد شد. رسانه ها گاه با انعکاس آمار و ارقام اغراق آمیز جرائم، می توانند اعتماد اجتماعی را نسبت به نظام سیاسی تضعیف نمایند به طور نمونه انعکاس پرونده های کلان اختلاس های عمومی و یا پرونده های مربوط به رابطه میان حاکمیت و مردم می تواند منجر به سلب اعتماد گردد. هر چند نمی توان ضرورت برخورد قوی با متخلفان را در هر سطح و نهادی انکار نمود، اما رسانه ای کردن این گونه حوادث به بی اعتمادی مردم از حکومت منجر شده و اقتدار و مشروعیت مدیران صالح نظام را نیز از بین برده و در نتیجه نظام سیاسی کشور، کارکرد کنترلی و پویایی خود را از دست خواهد داد (باکبری، ۱۳۸۵: ۶۷). با بررسی تحولات اجتماعی و سیاسی دربره فعلی، می توان از تضعیف اعتماد اجتماعی و به تبع آن شکاف دولت-ملت به عنوان عمیق ترین و فعال ترین شکاف اجتماعی در ایران یاد کرد که بسیاری از لرزه های کوچک و بزرگ بر پیکره ای جامعه و ساختار سیاسی کشورها، خواه به صورت خیزش های انقلابی و ساختارشکنانه و خواه حرکتهای اجتماعی و سیاسی اصلاح طلبانه، همه و همه بر روی این گسل عظیم به وقوع پیوسته اند (اکبری، ۱۳۷۵-۱۴۰۰).

– ایجاد امواج جرم

رسانه ها اغلب جرم را در قالب موج هایی برجسته و متمایز و به تعبیر نویسندگان، امواج جرم به تصویر می کشند، بدین شکل که با ارائه گزارش های مکرر از ارتکاب برخی اشکال خاص جرم شامل جرم خیابانی مانند ضرب و شتم، تجاوز به عنف و قتل، موجب می شوند که توجه افکار عمومی با شدت بیشتری، به این دسته از جرائم جلب شود. نکته جالب توجه آن است که برای تحقق

مفهوم امواج جرم، ضرورتی وجود ندارد که موارد وقوع یک رفتار مجرمانه در عمل نیز افزایش داشته باشد، بلکه کافی است که در افکار عمومی این تلقی ایجاد شود که این موارد با شدتی توجه برانگیز رو به فزونی است. به همین جهت رهبرفرزانه انقلاب اسلامی، رسانه‌های جهانی را در عصر حاضر جاده‌ای یکطرفه و در خدمت انعکاس خواسته‌های صاحبان امپراتوری رسانه‌ای دانسته و خاطر نشان می‌نماید که: امروز رسانه‌های دنیا به طور کامل در انحصار کسانی است که بزرگ‌ترین کارخانه‌های اسلحه‌سازی و ویرانگرترین بمب‌های اتمی را در اختیار دارند و خواستار حاکمیت فضیلت اخلاقی، دین، معنویت و صلح در جهان نیستند. حضرت آیت الله خامنه‌ای در تبیین جاده یکطرفه رسانه‌ای دنیا و نقش این رسانه‌ها در بزرگ‌نمایی هر آنچه که به مصلحت صاحبان قدرت است، می‌افزاید: امروز مصلحت صاحبان زر و زور اقتضا می‌کند که رسانه‌های تحت سلطه آنها اسلام را مساوی تروریسم و آمریکا را مظهر حقوق بشر و دموکراسی نشان دهند. این دروغ‌های بزرگ با استفاده از ابزارهای پیشرفته و پیچیده‌ترین شیوه‌ها به عنوان حقیقت به مردم دنیا القا می‌شود. بنابراین نظر، مدیران نظام‌های سیاسی - اقتصادی قدرتمند مانند آمریکا، انگلیس و فرانسه برای افزایش نفوذ و مشروعیت با به‌کارگیری امکانات ارتباطی‌ای چون چهارغول خبری آسوشیتدپرس، یونایتدپرس، رویترز و فرانس پرس و شبکه‌های رادیو - تلویزیونی فراملی، اوضاع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای پیرامون را آن گونه که مطابق منافع خود باشد تغییر می‌دهند. (باهر، ۶۹) از منظر دیگری کارکرد امنیتی منفی رسانه‌ها را می‌توان در حوزه‌های اصلی دولت، ملت، جامعه مدنی و ضریب ایدئولوژیک جامعه مورد بررسی قرار داد. که به لحاظ ماهیت ارزشی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران از اهمیت بیشتری برخوردار است. این کارکردهای منفی و ضد امنیتی رسانه‌ها برای جمهوری اسلامی ایران را به شرح ذیل بیان نموده است:

۱- تحریف هنجارها و ارزش‌ها:

رسانه‌های وابسته به استکبار جهانی سعی می‌کنند جوهره هنجارهای جامعه را دستخوش تغییر قرار دهند؛ و مفهومی مخالف و مغایر با اراده اولیه تبیین و تبلیغ نمایند. این عملکرد رسانه‌ها از آن حیث که ماهیت نظام را متحول می‌سازد، عملکردی ضد امنیتی به شمار می‌آید. "زودیت لازار" (۱۳۸۹) از این پدیده تحت عنوان "واقعیت‌سازی" یاد کرده، می‌نویسد: اطلاعاتی که از رسانه‌ها پخش می‌شود تا حدود زیادی به برداشت‌های عموم در برابر واقعیت شکل می‌دهد. در نتیجه، اتفاقات، افکار و مفاهیمی که افراد با آنها تفکرات و نظرهای خود را در مورد واقعیت اجتماعی سازمان می‌دهند، تا حدود زیادی از رسانه‌ها گرفته می‌شود.

۲- تصویرسازی منفی:

رسانه‌ها با انعکاس نادرست اخبار و تحلیل‌های مربوط به نظام جمهوری اسلامی ایران، تصویری از نظام ایجاد می‌کنند که با آن قادر به جلب حمایت‌های مردمی نیست. از این آفت می‌توان به "بیگانه‌پنداری" دولت نزد شهروندان یاد کرد که عامل اصلی در بروز ناامنی ارزیابی می‌شود.

۳- تشویش و تهییج افکار عمومی

برهم زدن ثبات فضای عمومی به منظور ایجاد فرصت مناسب برای حضور پررنگ تر رسانه‌ها در جامعه و تحصیل منافع موقتی و جزئی آنها از جمله آفاتی است که به واسطه عملکرد رسانه‌های بیگانه رخ می‌دهد و برای مردم نتیجه‌ای جز ناامنی در بر ندارد. بازی با افکار عمومی و هدایت آن به عرصه‌های متناقض و متفاوت، به‌خستگی ملت و در نهایت وازدگی از وضعیت موجود ختم می‌شود و زمینه مناسبی برای بروز آشوب فراهم می‌آورد.

۴- بسط فرهنگ غیراستدلالی

روی آوردن رسانه‌ها به روش‌های "غیراقتناعی" و مبتنی بر اجبار در واقع ماهیت جامعه مدنی را دستخوش تحریف می‌کند و به این وسیله امواج ناامنی را به طور پیوسته از ناحیه بازیگران جامعه مدنی و ازبستر رسانه‌ها، به جامعه منتقل می‌سازد. (ستیز با تهیج فرهنگی غرب نوشته دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی معظم کل قوا: ۱۳۹۴).

۵- استفاده ابزاری از مردم

رسانه‌ها از آنجایی که به یک دیدگاه سیاسی-اجتماعی خاصی نظر دارند، به دنبال جلب نظر مثبت مردم به آرمان‌ها و اهداف خود هستند. در چنین وضعیتی گردانندگان رسانه‌ها، نه به اقتناع افکار عمومی و جلب پیرو، بلکه به استفاده از قدرت پنهان مردم در جهت

تحقق اهداف خود نظر دارند. چنین سیاستی از آنجا که به تحریف افکار عمومی، سلب اعتماد از رسانه، بروز و تشدید اختلافات در میان مردم و بالاخره نقض اخلاق و قانون می انجامد، سیاستی امنیت سوز ارزیابی می شود.

۶- بحران سازی

رسانه های خارجی وابسته به استکبار جهانی با افزایش بی رویه توقعات شهروندان، تغییر ارزش ها در جامعه و کاهش ارزش عملکرد دولت در پی آن و تضعیف ضریب ایدئولوژیک جامعه، می خواهند نظام را دچار بحران کارآمدی و مشروعیت کنند (افتخاری، ۱۳۸۰).

۷- رواج فرهنگ غربی در ایران و چالش امنیت اخلاقی

برنامه های صادراتی که عمدتاً با اهداف خاص دولت های غربی تولید میشود، می تواند آثار ناگواری در مردم به جا گذارد. این برنامه ها عمدتاً به دنبال زوال فرهنگ ملی و دینی و ارزش های مادی هستند که باعث کاهش قدرت و انسجام ملی شود و به امنیت ملی آسیب زند. نگرش جدید کانال های فارسی زبان مثل فارسی وان، پرشین فیلم، امبی سی فارسی و... از جمله این تهدیدهاست.

۸- بحران هویت

در جوامع غربی دسترسی مردم به اطلاعات آزاد و سه ویژگی آن شامل حجم زیاد، سرعت بالا و تنوع و گوناگونی بروز نوعی بحران هویت به ویژه برای نسل جوان شده است. مباحث فرهنگی به دو شکل هویت بخش و معنابخش خودنمایی می کند. در مبحث هویت بخشی، رسانه ها ابزاری برای بازتعریف انسان و واحدهای اجتماعی در مقابل انسان های دیگر به حساب می آیند. این انسان به مقتضای دستاوردهای تکنولوژیک در حوزه تمدنی با ناامیدی در جست و جوی یافتن شیخ خود، حریصانه به فیلم ها و نمایشنامه های نامفهوم پناه می برد تا شاید هویت گمشده خود را پیدا کند (سیف زاده، ۹۳: ۱۳۸۳). لوسین پای بحران هویت را پی شزمینه بحرانهای مشروعیت و ناکارآمدی می داند (ساعی، ۱۳۸۵: ۱۰۱). فعالیت گسترده و سریع رسانه های غرب اعم از رسانه های شنیداری، ماهواره های تصویری، شبکه گسترده اینترنتی و شبکه های اجتماعی جدید با هدف گذاری های مشخص می تواند باعث تغییر هویت میان جوانان ایرانی شود و کاربران این وسایل در ایران منفعل و از نظر ذهنی کاملاً به سمت وابستگی به غرب پیش روند. رنگ باختن هویت دینی و ملی و تبدیل آن به هویت غربی تهدیدی است که باعث ایجاد شکاف های یا استثمار عقل « مغز شویی ». « اجتماعی و فرهنگی و در نهایت بحران هویت خواهد شد می تواند از پیامدهای تبلیغات گسترده غرب باشد که آثار منفی ساختاری به دنبال دارد (سعادت، ۲۲۳: ۱۳۸۸). با توجه به مبحثی که گذشت، بیشترین آسیب متوجه نیروهای فکری، خلاق و نخبگان دانشگاهی خواهد بود. وقتی این گروه مورد تهاجم قرار گیرد، امنیت اجتماعی و اخلاقی هم مورد هجوم قرار م یگیرد و این همان مبحث معنی بخشی است که به آن اشاره شد. بحث هویت و پایداری هویت های بومی در مقابل هویت زدایی شکل یافته از تکنولوژی های رسانه ای یکی از ابزارهایی است که می تواند به کمک جوامع هویتی بیاید تا در برابر هجوم هویتی غرب مقابله کنند.

رسانه و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

شبکه های رسانه ای اعم از تلویزیون و رادیو و مطبوعات در غرب در اختیار شبکه گسترده یهود و صهیونیست است که به طور گسترده علیه انقلاب اسلامی ایران فعالیت می کنند. آسیب ها و تهدیدهای نرم علیه جمهوری امپریالیسم فرهنگی علیه جمهوری اسلامی این گونه است: تهدیدهای نرم و رویکرد جدید علیه جمهوری اسلامی ایران با به کارگیری ابزارهای فرهنگی، امپریالیسم فرهنگی و تکنولوژی رسانه ای مدرن برای رسیدن به اهداف زیر بوده است:

۱. سیطره فرهنگ غرب بر ایران؛

۲. جلوگیری از فرهنگ اسلام سیاسی؛

۳. شکست باورهای سیاسی اجتماعی در ایران؛

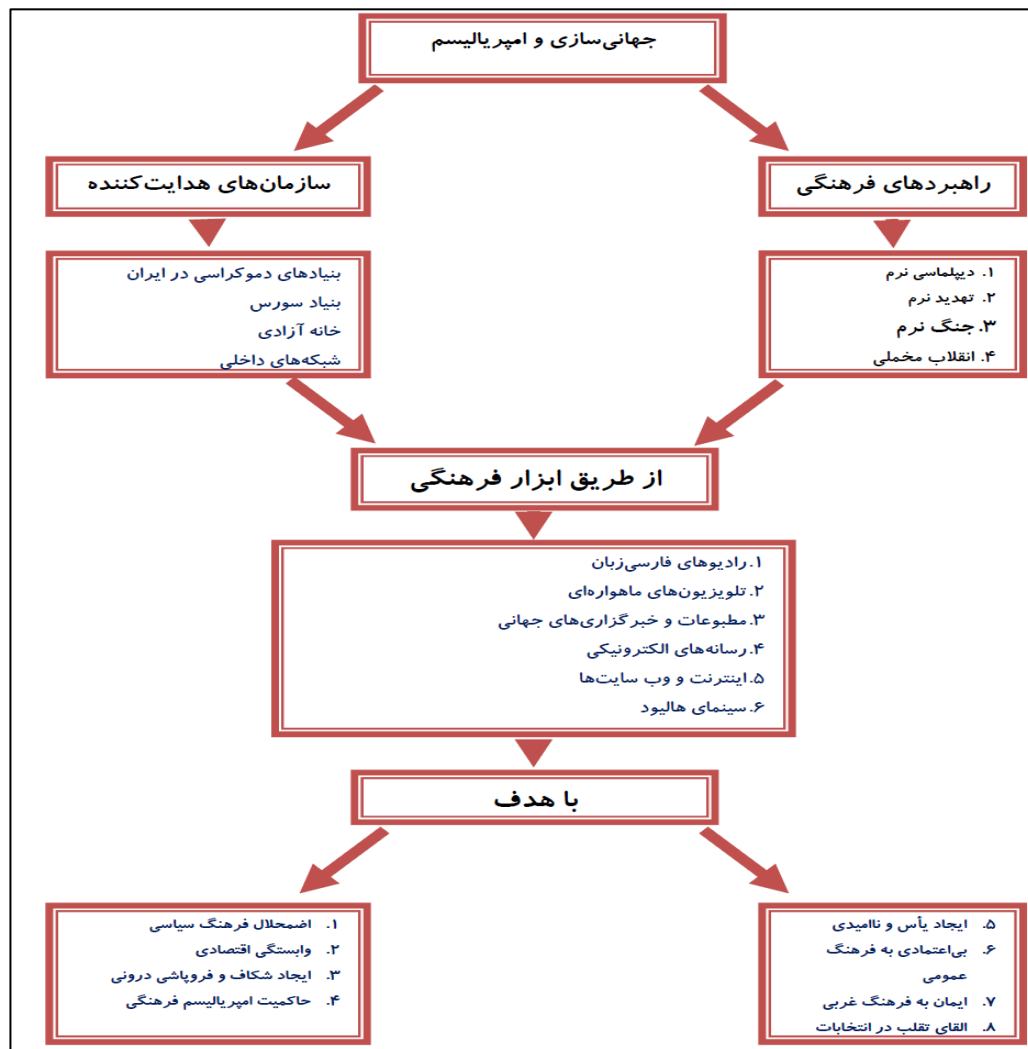
۴. شکست باورهای اعتقادی و ملی در ایران؛

۵. ایجاد رعب و وحشت در دل مردم؛

۶. تشدید شکاف بین دولت و مردم؛

۷. ایجاد بحران هویت بین مردم.

امپریالیسم فرهنگی در نمودار زیر تشریح شده است:



منبع: (ابولفضل امیر، ۱۳۹۳)

نتیجه‌گیری

رسانه‌های اجتماعی یکی از انقلابی‌ترین نوآوری‌ها در علوم رایانه است که ارتباط افراد را در جهان برای به اشتراک گذاشتن اطلاعات، ایده‌ها و افکار تسهیل می‌کند. در سال‌های اخیر، رسانه‌های اجتماعی رشد فوق‌العاده‌ای را نشان داده‌اند که بر افراد، مشاغل، جوامع و اقتصادها تأثیر گذاشته است. هدف پژوهش حاضر نقش ژئوپولیتیکی رسانه‌ها در فرهنگ و تحولات فرهنگی و تأثیر آن بر مصالح و منافع ج.ا.ایران است. از طریق یافته‌ها مشخص شده است که رسانه‌های اجتماعی با افزایش انتشار اخبار یا اطلاعات در زمینه نفوذ و تأثیرگذاری بر کشور هدف نقشی ژئوپولیتیکی دارند. از سوی دیگر، مشخص شده است که رسانه‌های اجتماعی هم تأثیرات مثبت و هم منفی بر روابط و رقابت‌های قدرت‌ها دارند. رسانه‌های اجتماعی می‌توانند گروه‌ها و افراد مختلفی را که در سراسر کره زمین به موضوعات خاص اختصاص داده‌اند، متحد کند. شکل‌گیری جوامع و توانایی رسانه‌های اجتماعی برای متحد کردن افکار عمومی نشان می‌دهد که چگونه رسانه‌های اجتماعی می‌توانند نقشی ژئوپولیتیکی در پیشبرد اهداف دولت‌ها داشته باشد. قدرت رسانه‌ها قدرتی تأثیرگذار در مباحث امنیتی است. ابزار رسانه‌ای هم زمینه‌ساز و هم تسهیل‌کننده مؤلفه‌های قدرت است. صاحبان قدرت و عمدتاً غرب با دراختیار داشتن فناوری اطلاعاتی و رسانه‌ای و استیلا و کنترل و انحصار

رسانه ای در پیگیری اهداف و منافع جهانی خود، گسترش ارزشهای غربی، برخورد با فرهنگ ها و ارزش های دیگر از این ابزار به غایت استفاده می کنند. بر اساس مطالعات موردی متعددی که توسط مراکز تحقیقات داخلی شده است، ایران در مرکز ثقل حملات رسانه ای غرب قرار دارد. همانگونه که در بحث امنیت مشخص شد، امنیت را از دیدگاه های متنوعی می توان مورد توجه، تحلیل و تقسیم بندی قرار داد و نتیجه تأثیرپذیری آن را از عملکرد رسانه ها که موضوع این نوشتار است، مطالعه کرد. امنیت از منظر ماهیت به دو قسمت ذهنی یا روانی و عینی یا مادی تقسیم می شود. امنیت در قلمرو ارتباطی با شخص و جامعه قرار دارد و امنیت در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی همواره مد نظر تحلیلگران امنیتی است و جغرافیای امنیتی در حوزه های امنیت ملی، منطقه ای و بین المللی همواره مطرح است که در نمای موضوعات امنیتی تأثیرگذارند و می توانند در تحکیم پایه های روانی امنیت یا بالعکس مخدوش کردن آن در ابعاد ذهنی و عینی، فردی و اجتماعی، ملی و فراملی تأثیر بگذارند. رسانه ها یکی از این ابزارهای نوین به شمار می روند که با تغییر کاربری، وارد عرصه شده اند که از آن با عناوینی مختلف چون قدرت رسانه ای و غیره یاد می شود. کشورهای پیشرفته از این شیوه برای دستیابی به اهداف خویش استفاده می کنند، زیرا به مراتب هزینه کمتری دارد. به طور عینی، این مسئله در رفتارهای غرب علیه ج ا ایران مشاهده می شود. ج ا ایران از آغاز انقلاب اسلامی تاکنون با هجمه های دشمنان و مستکبرین در جبهه های جنگ سخت، نیمه سخت و در حال حاضر جنگ نرم رسانه ای روبه رو بوده است؛ جنگی که به دلیل ویژگی های جدیدش، نوعی جنگ نامتقارن محسوب می شود. دولت های غربی در عصر فناوری از انواع وسایل ارتباطی دیداری و شنیداری برای مهار و کنترل جمهوری اسلامی ایران استفاده کرده اند و ترفندهای گوناگونی برای ضعیف نشان دادن و ناکارآمدی نظام و مسئولین به کار برده اند. در این خصوص، شبکه های ماهواره ای، تلویزیونی و رادیوهای بین المللی آنها را همراهی کرده اند. اما همچنان در قبال ایران با شکست مواجه شده اند.

در همین راستا دشمن برای رواج بی اعتمادی در کشور و ایجاد شکاف بین اعضای جامعه مخاطب ایرانی در تمام برنامه های خود اهداف زیر را دنبال می کند:

۱. به فراموشی سپردن اعمال گذشته آمریکا علیه ایران و فریب افکار عمومی؛
۲. ترغیب نخبگان سیاسی به پذیرش مشروعیت آمریکا و رژیم اشغالگر قدس؛
۳. کم رنگ کردن ماهیت خصمانه دشمن و دوست جلوه دادن آن از طریق توهم خواندن توطئه؛
۴. مقصر جلوه دادن ایران در ادامه یافتن مخاصمات با آمریکا؛
۵. تسخیر افکار عمومی و تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی ایران برای پذیرش مذاکره و بهبود روابط از مواضع انفعال و ضعف.

همه این راهبردها و اهداف برای به هم زدن امنیت پایدار در نظام اسلامی است. با توجه به مباحث مطرح شده در مسائل امنیتی به خصوص امنیت پایدار، راهبردهای اساسی زیر برای مقابله با تهدید دشمن پیشنهاد می شود:

۱. بررسی دقیق و عمیق سیاست های رسانه ای غرب از طریق رصد مداوم این رسانه ها و سیاست های آنها؛
۲. تلاش برای درک و فهم ارتباط سیاست های رسانه ای (ترویج اقتصادی سیاسی رسانه ها از طریق رسان ههای داخل)؛
۳. افشای شیوه های به کاررفته برای اقناع مخاطب با پنهان سازی اهداف اصلی رسانه ای؛
۴. طراحی راهکارهای مقابله با سیاست های سلطه جویانه برای اجرای نهادهای ذی ربط. به ویژه گونه های «تهدیدهای نرم» با توجه به اهمیت و تأثیرگذاری فوق العاده جدید آن هم چون تهدیدهای رسانه ای و جایگاه آن در راهبرد امنیت ملی از یک سو، بهره گیری غرب از فناوری های نوین و پیچیده رسانه ای برای برخورد با سایر کشورها و فرهنگ ها، به خصوص جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر، ایجاد سازوکار مناسب، هوشمند و دائم برای رصد و مقابله با این دست تهدیدها در نهادهای مسئول امنیتی کشور کاملاً ضروری است.

منابع

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)، چهره دوم جهانی شدن، تهران، نشر مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- اکبری، یوسف، جعفری، سید فرشید، عیوض زاده، حسن (۱۴۰۰) بررسی مولفه های جغرافیای سیاسی شکاف دولت و ملت در دولت های جمهوری اسلامی ایران بر اساس مدل امنیتی باری بوزان، دوره ۱۱، شماره ۴۳، ص ۱۷۵-۱۹۰
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۵)، «گفتگو، قدرت نرم و انقلاب اسلامی»، فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۳۲.
- ای آرلی، جان (۱۳۵۶)، به سوی سیاستهای ارتباطی واقع بینانه، ترجمه خسرو جهاننداری، تهران: سروش
- امیری، ابوالفضل (۱۳۸۸)، در آسیب ها و تهدیدهای نرم علیه جمهوری اسلامی ایران، (مجموعه مقالات دانشگاه امام هادی (ع)).
- باصری، احمد (۱۳۹۱)، «کارگاه جنگ نرم»، مشهد: سازمان بسیج اساتید.
- باهنر، ناصر (۱۳۸۵)، فناوریهای رسانه ای و ایفای نقشهای فرهنگی - چالشها و راهبردهایی در توسعه فرهنگی، مجله رسانه، شماره ۶۷، دفتر مطالعه و توسعه رسانه ها.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولتها و هراس، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- پچی، آیورلیو و دیگران (۱۳۷۰)، جهان در آستانه قرن بیست و یکم، ترجمه علی اسدی، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی
- تاجیک، محمد رضا (۱۳۷۷)، قدرت و امنیت در عصر پسامدرنیسم، گفتمان، شماره صفر، بهار ۱۳۷۷، ص ۱۱۴
- رنجبران، داود (۱۳۸۹)، جنگ نرم، تهران: ساحل اندیشه تهران (سات ۹)
- داوری (۱۳۸۱)، مجموعه مقالات جهانی سازی، فصلنامه کتاب نقد، شماره ۲۵ و ۲۴، زمستان
- ژودیت لازار (۱۳۸۰)، افکار عمومی، ترجمه مرتضی کتبی، تهران، فی .
- ساعی، احمد (۱۳۸۵)، درآمدی بر تحولات سیاسی و اجتماعی جهان سوم، تهران: نشر قومس.
- سعادت، علی (۱۳۸۵)، فروپاشی امنیت اخلاقی و تهدید نرم، دانشگاه امام هادی (ع).
- سیف زاده، حسین (۱۳۸۴)، اصول روابط بین الملل، تهران: انتشارات میزان.
- سبحانی نیا، محمد (۱۳۸۷)، «کارکرد دین در زندگی بشر»، قم: موسسه بوستان کتاب.
- ستیز با تهاجم فرهنگی غرب نوشته دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی معظم کل قوا: ۱۳۹۴
- شجاعی، سید مهدی (۱۳۹۱)، «هویت دینی و آموزه های چالش برانگیز معاصر»، تهران: چاپ و نشر بین الملل
- شیلر، هربرت (۱۳۷۷)، وسایل ارتباط جمعی و امپراتوری امریکا (ترجمه احمد میرعابدینی). تهران: نشر سروش.
- کازنو، ژان (۱۳۸۴)، جامع هشناسی وسایل ارتباط جمعی، ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، تهران: اطلاعات.
- گلشن پژوه، محمود رضا (۱۳۸۷)، «جمهوری اسلامی و قدرت نرم»، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- شهشاهی (۱۳۷۴)، ایران به اینترنت پیوست، خبرنگار مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات رابرت، ۱۳۷۷
- صفدری (۱۳۹۲)، امنیت فرهنگی، بنیانها، مؤلفه ها و چالشها در دیده بان امنیت ملی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

ماندل، رابرت (۱۳۷۷)، چهره متغیر امنیت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
محسنیان راد، مهدی (۱۳۷۷)، ارتباط جمعی در کشورهای اسلامی، دانشگاه امام صادق، انتشار محدود
محسنیان راد، مهدی (۱۳۷۶)، انتقاد در مطبوعات ایران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، انتشار محدود .
مجموعه مقالات (۱۳۹۲)، همایش رسانه و فرهنگ. دانشکده صدا و سیما
مک براید، شون (۱۳۶۹)، یک جهان چندین صدا، ترجمه ایرج پاد، تهران: سروش
مرادی، حجت اله (۱۳۸۹)، «قدرت و جنگ نرم»، تهران: نشر ساقی.
مهرداد، هرمز (۱۳۸۱)، مقدمه ای بر نظریات و مفاهیم ارتباط جمعی. تهران. مؤسسه فرهنگی پژوهشی فاران.
نظری، علی اشرف (۱۳۹۰)، فرهنگ، هویت و تمدن از چشم انداز ایران فرهنگی، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
نوری، آزادی اله و آسوده، محمد علی (۱۳۸۶)، نقش اثرات فرهنگی رسانه های جمعی در امنیت اجتماعی .
فصل نامه مطالعات راهبردی، سال نهم، ش ۲

Baldwin, Eset (1999), *Introducing Cultural Studies*, London, Prentice-Hall.

Burkhart Grey and Seymour E Good man ,_Mar 1998 *The Internet gains acceptance in the Persian Gulf*,Communication,New York.

Mohammadi Annabelle Sreberny(Ali) Editor)1994 *Small Media ،Big Revolution: Communication ،Culture ،and the Iranian Revolution* University of _Minnesota Press Sick Gary 1996 *Middle East Studies Association Bulletin ،December Tehranian majid 1999 Global Communication and World Politics: Domination ،Development ،and Discourse* Lynne Rienner Publishers Us Dept. of state 2000 *A National security strategy for a new century*

Ladmiral and et.al (1989), *La Communication Interculturelle*, Paris: Armancolin.